

استعدادیابی و تفاوت‌های فردی کودکان

علیرضا مصباح‌فر
روانشناس و مربی توسعه فردی

قرار دهد. نتایج مطالعه پیمایشی بر روی کودکان ثبت‌نام شده در پایه پیش دبستانی مجتمع (بدون آزمون ورودی) در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ نشان دهنده این است که میانگین بهره هوشی کودکان از میانگین آزمون بالاتر و انحراف معیار و پراکندگی نمرات کمتر از مقدار همین شاخص در هنجار آزمون است؛ که این مورد نشان دهنده وضعیت مطلوب کلاس‌ها از نظر رشد شناختی کودکان است.

سال‌های زندگی ما در هر دوره ویژگی خاص خود را دارد و اهمیت هر دوره نیز متفاوت است. تفاوت رشدی کودکی (ساله ۱ تا ۲ ساله) بیش از ۱۰ برابر نوجوانی (۱۵ تا ۱۶ ساله) و ۱۰۰ برابر تفاوت رشدی فردی (۵ تا ۱۵ ساله) است. به این دلیل هرچه زودتر و در زمان کودکی استعدادیابی را انجام دهیم بهتر است. البته برای کودکان کمتر از ۴ سال به دلیل اینکه موقعیت آزمون را جدی نمی‌گیرند و حداکثر توانایی خود را نشان نمی‌دهند، اجرای آزمون ممکن نیست.

روش‌های ارزیابی و استعدادیابی

۱. مشاهده رفتار و عملکرد کودکان: یکی از راه‌های ارزیابی کودکان مشاهده رفتار و عملکرد آن‌ها در جریان فعالیت‌های روزمره است؛ اینکه ببینیم کودک وقتی با مسئله‌ای روبه‌رو می‌شود، چه رفتاری نشان می‌دهد یا وقتی با ناکامی روبه‌رو می‌شود چه واکنشی دارد یا در بازی با هم‌سالان، انجام تکلیف یا هر موقعیت دیگری چگونه عمل می‌کند. برای این کار باید فرد مشاهده‌گر متخصص باشد، هدفمند مشاهده کند و روش مناسبی

افزایش خواهد یافت. از این رو، مطلب پیش رو، با هدف استفاده از آزمون‌ها در طول سال تحصیلی برای مناسب‌سازی شرایط کلاس و یادگیری و هدایت مناسب‌تر دانش‌آموزان نگاشته شده است.

انسان‌ها همگی در ابعاد گوناگون با یکدیگر تفاوت دارند. تفاوت‌هایی که شامل رنگ پوست، شکل چهره، ساختار بدنی و جسمی، علاقه‌ها، رفتارها و توانایی‌ها می‌شود. کودکان نیز از این قاعده مستثنی نیستند و در بسیاری از ویژگی‌ها با هم متفاوت‌اند. به میزانی که ما این تفاوت‌ها را بشناسیم و بپذیریم، می‌توانیم به رشد آن‌ها کمک کنیم. تفاوت‌های فردی کودکان را بررسی می‌کنیم تا با توجه به ویژگی‌های آن‌ها محیط زندگی و محیط آموزشی را به گونه‌ای مناسب‌سازی کنیم که کودکان بتوانند متناسب با ظرفیت خود به حداکثر رشد ممکن در زمینه‌های گوناگون برسند.

اگر تفاوت‌های فردی کودکان، به عنوان ابزاری، برای مقایسه و رقابت یا حتی تعریف و تمجید آن‌ها استفاده شود، بیش از آنکه به رشد و شایستگی آن‌ها کمک کند، مخرب خواهد بود. به همین دلیل اجرای آزمون‌ها به منظور انتخاب کودک برای برخوردارشدن یا برخوردارنشدن از موقعیتی خاص، مثل آزمون‌های ورودی مدرسه‌ها، هم برای کودکان و هم برای والدین بسیار اضطراب‌آور و آزاردهنده است؛ ولی اجرای آزمون‌های استعدادیابی در حین آموزش چنین نیست و می‌تواند اطلاعات خوبی برای طراحی مناسب آموزشی در اختیار معلمان و والدین

علیرضا مصباح‌فر، متولد ۱۳۴۹، مدرک کارشناسی علوم تربیتی، گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی و کارشناسی ارشد



روان‌سنجی (سنجش و اندازه‌گیری) دارد و تاکنون در این سمت‌ها مشغول به کار بوده است؛ مؤسس و مدیر اولین مرکز اختلالات ویژه یادگیری استان یزد، رئیس گروه طرح و برنامه اداره کل آموزش و پرورش، مدیر مدرسه‌های ایرانی در کشور امارات متحده عربی، مدیر گروه تجزیه و تحلیل اطلاعات، معاون پژوهش و برنامه‌ریزی اداره کل آموزش و پرورش استان یزد و مدیر منابع انسانی اداره کل آموزش و پرورش استان یزد. وی در حال حاضر معاون اداره کل آموزش و پرورش استان یزد و عضو شورا و کمیته تخصصی تحقیقات آموزش و پرورش این استان است.

اشاره

در سال‌های پیش، برای ثبت‌نام دانش‌آموزان جدید آزمون ورودی برگزار می‌شد؛ اما در حال حاضر این روش یعنی سنجش استعداد دانش‌آموزان جدید قبل از ثبت‌نام، به فرایند بررسی در سال تحصیلی تغییر یافته است. بعضی از مدیران و معلمان بر این باورند که حذف آزمون ورودی منجر به جذب دانش‌آموزان با آمادگی تحصیلی کمتر می‌شود و مشکلات یادگیری در کلاس

را برای ثبت مشاهدات خود داشته باشد. این روش با همه خوبی‌هایی که دارد، بسیار زمان‌بر، پرهزینه و گاه غیرممکن است.

۲. استفاده از آزمون‌ها: روش دیگر ارزیابی، استفاده از آزمون‌هاست. آزمون‌ها با ارائه فعالیت موردعلاقه کودک او را در موقعیتی قرار می‌دهد و رفتار یا پاسخ کودک را ثبت می‌کند. سپس با در نظر گرفتن سن کودک در مورد توانایی و وضعیت او تصمیم می‌گیرد. در جریان استعدادیابی، کودکان از نظر شناختی، حرکتی، مهارت اجتماعی و رفتاری مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. در ادامه، به برخی از این موارد اشاره می‌شود.

برخی از معیارهای ارزیابی برای استعدادسنجی

(الف) بهره هوشی: در بخش شناختی بهره هوشی کودک را اندازه می‌گیریم. بهره هوشی اکثر کودکان یعنی حدود ۶۸ درصد، در حد متوسط است. درصد خیلی کمی کمتر از متوسط و درصد کمی هم بالاتر از میانگین است. برای پیشرفت تحصیلی و موفقیت، برخورداری از بهره هوشی متوسط، بسیار خوب و کافی است و نباید نگران این باشیم و خیلی اشتیاق داشته باشیم که بهره هوشی کودکانمان خیلی بالا و سرآمد باشد. در یادگیری مهم‌تر از میزان بهره هوشی، میزان استفاده از حداکثر ظرفیت هوشی کودک است.

(ب) مهارت کلامی: در ارزیابی، علاوه بر بهره هوشی، مهارت کلامی کودک که بیانگر اطلاعات عمومی و فهم کلامی اوست، اندازه‌گیری می‌شود. این توانایی ارتباط مستقیمی با پیشرفت تحصیلی فرد خواهد داشت. حافظه بلندمدت کودک در میزان اطلاعات و درک کلامی او مؤثر است. در ضمن این توانایی با سطح فرهنگی خانواده، میزان استفاده خانواده از کتاب و رسانه‌های مفید و ارتباط کلامی اعضای خانواده با کودک مثل قصه‌گویی، بازی‌های کلامی، شرح و توضیح فرایندها و رویدادها برای کودک ارتباط دارد.

(ج) استدلال ادراکی: ویژگی شناختی دیگری که ارزیابی می‌شود، استدلال ادراکی است. این ویژگی به توانایی آزمودن در توجه و درک اجزای مربوط و مناسب، درک روابط علت و معلولی و تشخیص ارتباط بین اجزا با ویژگی‌های گوناگون اشاره دارد. بازی‌هایی با مجموعه کارت‌ها، تکمیل تصویرهای ناقص، رسم شکل‌های متعدد، دسته‌بندی کارت‌ها و اشیا بر اساس ویژگی خاصی، وصل کردن اشیا، حیوانات و... مرتبط با هم روش‌هایی هستند که منجر به افزایش این توانایی می‌شوند.

(د) حافظه کوتاه مدت: در استعدادسنجی حافظه فعال یا حافظه کوتاه مدت نیز مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. حافظه فعال مهم‌ترین بخش حافظه در یادگیری است. این بخش شامل توانایی فرد در به خاطر سپاری آنچه می‌شنود و می‌بیند و یادآوری آن در چند ثانیه بعد می‌شود. بازی‌هایی مثل ببین و بگو، اجرای فرمان‌های شنیداری، شنیدن و بعد از چند ثانیه تکرار جملات، کلمات یا اعدادی که شنیده شده است، دیدن تعدادی از کارت‌ها، شکل‌ها و تصاویرها و بیان نام آن‌ها بعد از چند ثانیه می‌تواند به افزایش این توانایی کمک کند.

(ه) سرعت پردازش: ویژگی بعدی که در بخش شناختی ارزیابی می‌شود، سرعت پردازش است. سرعت پردازش به سرعت عمل در فعالیت‌های ذهنی اشاره دارد. این توانمندی به هماهنگی دیداری و حرکتی، حافظه کوتاه مدت دیداری و شنیداری و همچنین به توجه و تمرکز و سرعت انجام فعالیت‌ها بستگی دارد. مجموعه بازی‌های جدا کردن موارد خاصی از سایر موارد، خط زدن علامت‌ها، شکل‌ها و نشانه‌های خاص، تطبیق مجموعه‌ای از تصویرها با علامت‌های مخصوص و... می‌تواند منجر به افزایش این توانایی شود.

(و) مهارت‌های حرکتی: مهارت‌های حرکتی از مهارت‌های ضروری و بسیار مهم در زندگی روزمره و انجام فعالیت‌های آموزشی است. علاوه بر تأثیری که مهارت‌های حرکتی در رشد شناختی و شبکه عصبی دارد، همه فعالیت‌های آموزشی با مهارت‌های حرکتی مرتبط است. گرفتن قلم، نوشتن، نقاشی کردن، بازی با لگوها و خیلی از فعالیت‌های دیگر نیاز به مهارت‌های حرکتی ظریف دارد. راه رفتن، دویدن، گرفتن توپ و پرتاب کردن آن، چالاک‌ی و چابکی نیز نیاز به مهارت‌های حرکتی درشت دارد.

در انجام حرکت‌ها، یک طرف بدن به طرف دیگر برتری دارد. مثلاً ما با دست راست یا دست چپ بهتر کار می‌کنیم. اینکه راست برتر باشیم یا چپ برتر باشیم، اهمیت ندارد؛ ولی اینکه تمام اندام‌های (دست، گوش و چشم) یک طرف برتر باشد، مهم است.

برای تثبیت برتری یک طرف می‌توان مجموعه فعالیت‌های حرکتی را در قالب بازی به کودک ارائه دهیم تا آن فعالیت‌ها را با عضوی انجام دهد که می‌خواهیم برتری در آن تثبیت شود. مثلاً تیله بازی با دست راست باعث برتر شدن دست راست می‌شود یا شنیدن موسیقی با گوش راست باعث برتری گوش راست می‌شود. در بررسی برتری طرفی چشم و گوش باید از سلامت فیزیکی چشم و گوش هم مطمئن شد.

(ز) مهارت‌های اجتماعی: مهارت‌های اجتماعی از مهارت‌های ضروری برای موفقیت در زندگی اجتماعی است. کسب این مهارت‌ها از زمان کودکی آغاز می‌شود. مهارت‌های اجتماعی منجر به بهبود وضعیت ارتباطی کودک با همسالان و بزرگسالان می‌شود و زمینه حضور اجتماعی کودک را در مدرسه، خانواده و... فراهم می‌آورد.

علاوه بر ویژگی‌هایی که گفته شد، عوامل عاطفی و انگیزه نیز در موفقیت کودک خیلی اهمیت دارند.

کارگردان اصلی رفتار «انگیزه» است. رفتار و نگرش خانواده و جو مدرسه در انگیزه تحصیلی کودک بسیار تأثیر دارد. در مجموع توجه به تفاوت‌های فردی و استعداد کودکان به همراه ایجاد محیطی امن و آرام و فراهم آوردن انگیزه لازم برای کسب حداکثر شایستگی به دور از مقایسه، رقابت، ایدئال‌گرایی و اضطراب می‌تواند منجر به موفقیت کودکان در زمینه‌های متعدد شود. □

